

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره  
 تاریخ: ۱۰ آبان ۱۴۰۰  
 موضوع جزئی: آیه ۴۰ \_ بخش اول: «اذکروا نعمتی...» \_ وجوه امر به  
 مصادف با: ۲۵ ربیع الاول ۱۴۴۳  
 یاد آوری نعمت  
 جلسه: ۱۰

﴿الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین﴾

**خلاصه جلسه گذشته**

عرض کردیم آیه ۴۰ سوره بقره سه بخش دارد. سخن در بخش اول بود؛ «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ» که البته این خطاب مشترک در سه بخش است. در بخش اول آیه یعنی «اذكروا نعمتي التي أنعمت عليكم» چند مطلب را متعرض شدیم. یکی راجع به یاد آوری و فلسفه امر به یادآوری به نعمت، اینکه چرا خداوند تبارک و تعالی دستور می‌دهد این نعمت من را یاد آوری کنید. دیگر اینکه نعمتی در واقع اشاره به جنس نعمت دارد نه یک نعمت مشخص. اگر چه بعضی این را به معنای یک نعمت دانسته اند، اما ظاهر این است که این به معنای جنس نعمت است. «نعمتی» یعنی نعمتی که من به شما انعام کردم. گستره نعمت هایی که خداوند تبارک و تعالی به بنی اسرائیل عطا کردند، گستره وسیعی است. این نعمت های بعضا اختصاص به بنی اسرائیل داشت که به بعضی از اینها اشاره کردیم. این نعمت های اختصاصی باعث شده بود که بر سایر ملت ها برتری داده شوند. «إني فضلتكم على العالمين» که در برخی از آیات آمده، یا «إِنَّه لَم يُوْت أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ»، یعنی به هیچ یک از مردمان سایر ملل و اقوام دیگر داده نشده، بالاخره اینها نعمت های اختصاصی بودند. اما به غیر از این نعمت های اختصاصی، بالاخره نعمت هایی که همگان از آنها بهره مندند، آنها هم شامل حال بنی اسرائیل بوده. نعمت حیات، نعمت خلق، نعمت رزق، نعمت هدایت و نبوت و شریعت، نعمت هایی که با واسطه به آنها واصل می‌شد و...

اینجا که خداوند میفرماید: «اذکروا نعمتی»، یا اشاره به جنس نعمت دارد که همه نعمت ها را در بر می‌گیرد، اعم از نعمت های مشترک و اختصاصی که اشاره کردم. یا خصوص نعمت هایی که به بنی اسرائیل داده شده. به هر حال یک نعمت خاص منظور نیست. بالاخره آن نعمت های اختصاصی خداوند که به بنی اسرائیل عطا کرده و باعث شد آنها برتری پیدا کنند، خداوند میفرماید آنها را به یاد بیاورید.

**وجوه امر به یادآوری نعمت**

حال اهدافی که از امر به یاد آوری نعمت تعقیب می‌شود، یا به تعبیری دیگر وجه امر به یاد آوری این نعمت، به طور کلی می‌تواند چند جهت داشته باشد. البته یکی را قبلا اشاره کردیم.

## وجه اول

علت اینکه خداوند تبارک و تعالی در اینجا می‌گوید یادتان بیاید، این است که اگر این نعمت‌ها در گذشته در اختیار شما بود و الان نیست، مقصر خودتان هستید. خودتان بودید که نعمت را تبدیل به نعمت کردید. شما بودید که با ناسپاسی نسبت به نعمت‌های خداوند سبب شدید این نعمت‌ها از شما سلب شود.

## وجه دوم

مهمترین جهتی که در اینجا وجود دارد، دعوتی است که خداوند تبارک و تعالی به توحید می‌کند. گفتیم یکی از سه بخش مهم این آیه که به اصل توحید پرداخته همین قسمت است. سوال در این بود که چطور «اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ» دلالت بر توحید می‌کند؟

ما اگر نعمت‌های خداوند تبارک و تعالی را دسته‌بندی کنیم، برخی از نعمت‌ها، نعمت‌هایی است که خاص خداوند تبارک و تعالی است. یعنی دیگران نه بی واسطه و نه با واسطه نمی‌توانند این نعمت را به دیگری عطا کنند. مانند نعمت حیات، خلق و آفرینش. این‌ها چیزی نیستند که دیگران بتوانند این کار را انجام دهند. این خواه یا ناخواه به دست خداوند است و هیچ زمینه‌ای برای حضور دیگران در این عرصه نیست.

گاهی از اوقات برخی از نعمت‌ها به واسطه دیگران به انسان می‌رسد. شخصی به دیگری عطایی می‌کند، رزق و روزی برای او فراهم می‌کند، اما این شخص واسطه است که دارد دیگری را بهره‌مند می‌کند و به او چیزی می‌بخشد، ولی در واقع به خداوند تبارک و تعالی بر می‌گردد. یعنی هم اصل خلقت و آفرینش آن شخص منعم، هم عطیه و هدیه‌ای که او می‌دهد، و کاری که او می‌کند در واقع بازگشت به خداوند تبارک و تعالی می‌کند. این‌ها نعمت‌هایی است که در این دنیا از خلق، حیات، رزق و روزی به این ترتیب به خداوند باز می‌گردد.

نعمت‌های معنوی خداوند هم دامنه‌بشماری دارد. این نعمت‌ها که اساسشان ارسال رسل، انزال کتب و هدایت انسان‌ها، اطاعت انسان‌ها است، این‌ها هم در واقع از سوی خدا است. یعنی اگر خداوند تبارک و تعالی شریعتی فرستاده، پیامبری ارسال کرده و ما موفق شدیم به اطاعت نبی و رسول او، خود این اطاعت، خود اینکه هدایت پیدا کردیم به سوی اطاعت، باز از ناحیه خداوند تبارک و تعالی است.

بنابراین اگر ما بگوییم جمیع نعمت‌ها از ناحیه خداوند تبارک و تعالی است، چنانچه در قرآن می‌فرماید: «وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ»، هر چه که از نعمت به شما واصل می‌شود، از ناحیه خداوند تبارک و تعالی است. اگر امر به یاد آوری به نعمت می‌شود و خداوند می‌فرماید: «اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ»، این نعمت که جنس نعمت است و همه نعمت‌های خداوند را در بر می‌گیرد، چه مادی و چه معنوی، چه با واسطه و چه بی واسطه، همگی به سوی خدا است و منشأ آن‌ها خدا است. یعنی کأن غیر از خدا هیچ عامل دیگری در این زمینه تاثیر استقلالی ندارد. و هل هذا إلا التوحید؟ توحید یعنی اینکه ما اعتقاد پیدا کنیم که لا مؤثر فی الوجود الا الله. اینجا خداوند تبارک و تعالی به یکی از جلوه‌های توحید اشاره

کرده. وقتی دستور به ذکر و یادآوری نعمت داده می‌شود و این نعمت هم لا یكون الا من ناحیه الله، پس در حقیقت اینجا دارد دعوت به توحید می‌کند. این دعوت به توحید است. در آیات قبلی هم این اصل اعتقادی و باوری که باید در نفوس و قلوب مسلمانان پدید بیاید مورد اشاره قرار گرفته. توحید، نوبت و معاد، اصل و اساس اعتقاد و باور یک انسان موحد و مسلمان است.

وجه سوم

خداوند تبارک و تعالی با این بیان در حقیقت می‌خواهد انسان را سوق دهد به سوی شکر نعمت و پرهیز از کفران نعمت. خود این مسئله که در مواضع و مواقع مختلف نسبت به اقوام و ملل مختلف دستور به یادآوری نعمت داده شده، دعوت و تقاضای ذکر نعمت شده، و بر حذر داشته شده از کفران نعمت، کأن یک روش و سنتی بوده که خداوند تبارک و تعالی همواره آن را دنبال کرده. اصلاً انبیاء عظام الهی همیشه به یادآوری نعمت تاکید داشته اند. مثلاً هود به قوم خود یعنی عاد اینچنین می‌فرماید: «وَأذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۱</sup> نعمت های خدا را به یاد بیاورید، شاید به رستگاری برسید.

حضرت صالح به قوم خود یعنی ثمود نظیر این را فرموده: «فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»<sup>۲</sup>.

همچنین حضرت موسی نسبت به بنی اسرائیل مکرراً دستور به یادآوری نعمت داده که قبلاً به برخی از این آیات هم اشاره کردیم.

همه این‌ها برای این است که ذکر و شکر نعمت باعث فلاح و رستگاری می‌شود. کفران نعمت باعث دوری از مسیر فلاح و رستگاری است. حال چطور شکر نعمت باعث فلاح می‌شود؟ اینکه حقیقت شکر و مراتب آن چیست را باید در جای خودش بررسی کرد. اما وقتی بالاخره به یاد نعمت می‌افتد و به یاد می‌آورد که این نعمت تنها و تنها از سوی خداوند تبارک و تعالی است، اینجا است که به مبدأ عالم هستی توجه پیدا می‌کند، اینجا است که می‌فهمد خودش در این ماجرا به حسب واقع نقشی نداشته است. چون انسان معمولاً اینطور است که با هجوم نعمت‌ها به سوی او گرفتار خودخواهی می‌شود. وقتی نعمت‌ها به سوی او سرازیر می‌شوند، طبیعتاً خودش را در این موقعیت سهیم می‌بیند و می‌گوید بالاخره من قابلیت‌ها و شایستگی‌هایی داشتم که این شرایط برای من فراهم شده، اما به حسب واقع این نعمت‌هایی است که خداوند به او داده است.

وقتی می‌گوید یادآوری نعمت معنایش این نیست که در خود نعمت متوقف و غرق شود، بلکه یادآوری نعمت حتماً جلوی خودخواهی‌ها و غفلت‌ها را می‌گیرد و به همین دلیل انسان متوجه مبدأ عالم هستی می‌شود. پرهیز از خودخواهی و توجه به مبدأ عالم باعث می‌شود انسان راه فلاح و رستگاری را در پیش بگیرد.

۱. سوره اعراف، آیه ۶۹.

۲. سوره اعراف آیه ۷۴.

پس در بخش اول آیه اگر امر به یاد آوری نعمت شده، می‌توانیم سه غرض و هدف برای آن ذکر کنیم.

اول: دعوت به توحید، وقتی می‌گویند «اذکروا نعمتی»، یعنی می‌خواهد دعوت کند به سوی مبدأ هستی و اینکه لا مؤثر فی الوجود الا الله.

دوم: دعوت به شکر؛ نعمت را که انسان یاد آوری می‌کند، در حقیقت ترغیب به شکر نعمت و جلوگیری و بر حذر داشتن از کفران نعمت است.

سوم: اینکه می‌خواهد بگوید اگر امروز شما به این وضعیت دچار شدید و آنچه را که داشتید از دست دادید، خودتان مقصرید. خداوند همه آنچه را که لازم بود به شما داد، شما را بر دیگران برتری داد، به شما چیز هایی داد که به دیگران نداد. شما بودید که باعث شدید این نعمت ها تبدیل به نعمت شود. این را هم قبلا اشاره کردیم، «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»<sup>۱</sup>.

سوال:

استاد: بله این دقیقا همین است که می‌خواهد بگوید اگر به این وضعیت دچار شدید، خودتان کفران نعمت کردید و این روایت هم همین را می‌رساند.

علی‌ایحال به نظر ما این بخش از آیه مشتمل بر این جهات سه گانه بود که عرض شد. هم دعوت به توحید، هم ترغیب به شکر و پرهیز از کفران نعمت، و هم اینکه اگر امروز به این وضعیت نا به هنجار دچار شدید، خودتان مغیر نعمتتان بودید، و الا خداوند «لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ»، خداوند نعمتی را که به قومی عطا کرده تغییر نمی‌دهد. این بالاخره روشی است که خداوند نسبت به همه آن را دنبال می‌کند.

«والحمد لله رب العالمین»

<sup>۱</sup>. سوره انفال، آیه ۵۳.